



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۳/۱۱

عبدالقیوم میرزاده

## کارایی شفافیت در اداره کشور

طرح های شرافکن خلیل زاد و ارسال نامه غیر متعارف، آمرانه و غیر دیپلماتیک انتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده امریکا عنوانی اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان و داکتر عبدالله عبدالله از یکطرف فضای سیاسی - اجتماعی مکرر افغانستان را بیشتر متشنج ساخت و به نحوی تیر مخالفین داخلی و خارجی افغانستان را دسته کرد و از طرف دیگر آنچه مایه خرسندی است برخورد شفاف زمامداران کشور در قبال این گفتگو ها و متن نامه بلینکن میباشد که تأثیر زیاد در میان مردم و سیاسیون کشور در راه اتحاد شان بدور نظام و اداره دولت داشته است. رئیس جمهور در مراسم افتتاح سال سوم دوره هفدهم ولسی جرگه در قبال طرح های خلیل زاد تلویحاً اشاراتی کرده و بدین ترتیب گوشه های مداخله اجنبی را برای نماینده گان مردم در ولسی جرگه نمایان ساخت و تأکید کرد که صلح برای فرد فرد این کشور یک هدف مقدس است و همه مردم با اتحاد خویش دین خود را در راه صلح ادا کنند. همچنان امرالله صالح معاون اول رئیس جمهور در مراسم یادبود قسیم فهیم ضمن صحبت در باره مسایل صلح و تأمین امنیت در کشور در قبال نامه وزیر خارجه امریکا عنوانی رئیس جمهور و رئیس شورای صلح بصورت شفاف صحبت کرده همچنان مردم را از چگونگی جریان مذاکرات رهبری کشور با هیئت امریکایی تحت رهبری خلیل زاد و نظریات امریکاییان و نقاط نظر اداره کشور باخبر ساخت. او تصریح کرد که امریکایی ها و غربی ها حق دارند که در مورد سرنوشت سربازان شان نامه بنویسند، کنفرانس بگیرند و با طالب مذاکراه کنند، اما این حق حکومت افغانستان است که سرنوشت ۳۰ میلیون جمعیت خود را معامله نکند.

با نگاه گذرا به تاریخ سیاسی کشور دیده میشود که این طرز کار و شیوه اداره کشور یعنی مردم را در جریان مسایلی که به سرنوشت آنها مرتبط است قرار دادن، حق آگاهی و یا اطلاعاتی مردم را در زمان مناسب و محل مناسب به مردم دادن صفحه جدیدی است که در تاریخ اداره سیاسی کشور باز میگردد و از دیر زمانی است که مردم ما از این حق مسلم شان محروم بودند.

با آنکه شفافیت موضوع انتزاعی بوده و بیشتر به مصادیق بیرونی و به فهم و آگاهی استفاده کننده گانش وابسته میباشد اما شفافیت یعنی بازگویی و آگاهی رسانی تمام جوانب یک پدیده به کسانی که با آن پدیده سرو کار دارند میباشد. در علم جامعه شناسی و سیاست شفافیت عبارت است از حق ارائه اطلاعات به مردم در زمان مناسب، محل مناسب، با زبان مناسب و به مخاطبین مناسب میباشد. با ترویج شفافیت در سیستم اداره دولت و جامعه اعتماد عمومی یا سرمایه اجتماعی حاکمیت بیشتر شده و خرد جمعی و تخصصی برای یافتن راه های حل مبتکرانه و مناسب بر مشکلات و نقاط ضعف ترغیب و تشویق میگردد و نظارت میلیونی بر پاکیزه نگهداشتن سیستم های اداره و جلوگیری از فساد سامان میابد، و بوسیله شفافیت مشارکت جمعی تحقق یافته و محیط خوابیده، کر و کور استبدادی و پنهان کار به محیط بیدار، فعال و مبتکر اجتماعی تبدیل میگردد. یعنی شفافیت زمینه ساز مشارکت است و مشارکت زمینه ساز اتحاد، پیشرفت و ترقی میباشد. در شرایط استبداد، پنهان کاری و عدم شفافیت مردم حل مسایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را وظیفه خویش نمی شمارند و هر کمبود و نارسایی و همه چرا ها را از حکومتی ها میپرسند. مردم به توده ای کور، کر و منفعل تبدیل گشته و در هیچ عرصه حتی مکلفیت های انسانی اش خود را مسئول و جوابگو نمیدانند.

با آگاهی قاصر که من از تاریخ کشور خود دارم همچو آگاهی رسانی یا اطلاع دهی به مردم را خالد برمک از سلسله برمکیان در زمان سلطه عباسیان در قرن هشتم میلادی، یعقوب لیث صفار در سیستم ظالمانه اعراب، ابو مسلم خراسانی با آنکه به نفع عباسیان بر علیه امویان میرزمید بعد از بیان شفافش با مردم و آگاهی مردم از مظالم منصور عباس خلیفه عباسی توسط آن خلیفه به شهادت رسید. همچنان تاریخ اقوالی از بیانات آگاهی دهنده میرویس خان هوتکی در برابر دسایس و توطئه های صفویان و گورگانیان هند به مردم خویش در دل ثبت دارد. بیانات پر

د پانوی شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

شور و وطن‌دوستانه وزیر محمد اکبر خان که بوسیله همین بیانات اش از افشای دسایس انگلیس ها که در تیبانی با اعضای دربار افغانی قصد قلع و قمع نیرو های آزادیخواه را داشتند و پیوسته در تلاش بودند تا با دسایس و توطئه ها سلسله خانه جنگی را در کشور ما مشتعل نگهداشته و از آب گل آلود ماهی بگیرند، توانست لشکر بزرگی را از مردم علیه استبداد و دسایس انگلیس سامان دهد. در تاریخ معاصر کشور اعلیحضرت امان الله خان بتاريخ ۱۵ می ۱۹۱۹ در مسجد عیدگاه کابل سخنرانی کرده و مردم را از تمام دسایس پشت پرده انگلیس ها در قبال افغانستان و منطقه با زبان بسیار سلیس و روان باخبر ساختند یعنی به مردم اطلاع رسانی کردند. او در این اطلاع رسانی اش به مردم گفت که دشمن با استفاده از بیخبری و بی سوادی ما ما را به چیز های نا چیز و کوچکی متفرق ساخته و در کشمکش در بین خود مشغول ساخته است و خود با این دسایس بر ما سلطه میراند. گرچه تدقیق، صحت و سقم مسئله شفافیت در اداره دولت بیشتر بر میگرده به پژوهش های تاریخی مورخین خاصاً جناب کانید اکادیمیسین اعظم سیستانی که میتواند در این زمینه از نظریات پژوهشی و دانشمندان شان ما را مستفید گردانند.

در روشنی اطلاعات دست داشته تاریخی میتوان به صراحت اذعان کرد که در دوران طلایی امانی از سخنرانی مسجد عیدگاه تا جرگه پغمان مسئله اطلاع رسانی و آگاهی دهی به مردم از پلان ها و اقدامات دولت به سیستم حاکم حکومت تبدیل شده بود که متأسفانه در همانجا هم دفن شد و مردم افغانستان در طول درازمنه تاریخ قربانی توطئه ها، دسایس و توافقات پشت پرده بوده اند. حکام پیوسته مردم و منافع شان را قربانی اهداف شخصی، خانواده گی و در دراز مدت قربانی مقاصد آزمندان اجنبیان کرده اند و به همین ترتیب قدرت اعمال نفوذ و تأثیر گذاری مردم را نسبت به مسایلی که سرنوشت شانرا تعیین میکند از آنها سلب کرده اند و مردم را به توده بیسواد، منفعل و آغا بلی گوی تبدیل کرده که این خصوصیت را حتی در میان (نخبگان) سیاسی و مسئولین امور بوضاحت میتوان دید. اگر جامعه کر، کور، منفعل و مالامال از افراد آغا بلی گوی نباشد زمان آن رسیده است که توده های میلیونی مردم از امریکا و امریکایان سوال کنند که چرا چنین نامه اهانته بار به رئیس جمهور یک کشور فرستاده شده است؟ یا چرا دیروز پومپئوبیا تهدید و فشار قطع کمک های اقتصادی ساختار غیرقانونی در اداره کشور را صحه گذاشته و پنجهزار زندانی تروریست را از زندان های افغانستان رها کردند؟ و یا اینکه شما میتوانید همین امروز ۲۵۰۰ عسکر تان را که مهمان ناخوانده در کشور ما هستند به کشور تان برگردانید اما به چه حق برای ما دولت سازی میکنید؟ چرا هم خود در کشور ما مداخله میکنید و هم زمینه مداخله دیگران را مساعد گردانیده اید و روز تا روز اوضاع را در کشور ما طوری پیچیده میسازید که بسیاری حتی قدرت انتخاب و گزینش را از دست میدهند؟ و ده ها هزار چرا های دیگر. بنا زور آزمایی های جنگ طلبان امریکایی برای اشتعال جنگ داخلی در افغانستان که در نتیجه بوسیله همین دهشت گردان بنیاد گرطالبی و داعشی سلسله این وحشی گری ودهشتگرادی چون دهه نود فضای کشور های آسیای میانه و ایالت سینکیانگ چین را نیز درخواهد نورد همچنان به شدت ادامه دارد. سفر اخیرخلیل زاد به افغانستان، قطر و پاکستان و ملاقات هایش بامسئولین حکومت و دست اندر کاران امور سیاست در کشور و مقامات نظامی پاکستان و غلام بچگان دستگاه استخبارات نظامی پاکستان بنام طالبان فضای سیاسی مکرر کشور ما را مکررتر ساخته و مصادف ساختن این سفر را با ارسال نامه غیر دیپلماتیک بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده امریکا به رئیس جمهور کشور و داکتر عبدالله عبدالله و بدسترس گزاری این نامه به رسانه ها (تلویزیون طلوع) که همه حکایت گر تدابیر فعال استخباراتی به منظور تحت فشار قرار دادن مسئولین اداره دولت اسلامی افغانستان رویدست گرفته شده است یقیناً در معاملات سری پشت پرده با استخبارات نظامی پاکستان قدم به قدم به پیش برده میشود. به این ترتیب خلیل زاد ناکامی خویش را در پیشبرد پروژه مذاکرات دوحه با فشار دوچندان بردولت و حکومت افغانستان بیشتر ساخت و یکبار دیگر فضای نهایت شکنند سیاسی کشور ما را تحت شعاع قرار داده است.

این پرواضح است که در شرایط حاضر افغانستان برای عملی کردن همه طرح های ارائه شده از جانب امریکایان و توافقات پشت پرده آنها با پاکستان هیچنوع تضمین ملی، منطقوی و بین المللی وجود ندارد که تطبیق این طرح ها باعث ثبات در کشور میگردد!؟؟؟ زیرا پاکستان در وجود طالبان بجز از غصب کامل قدرت آنها از طریق خشونت و قتل عام مردم کاری که از بدو موجودیت اش انجام داده است چیزی کمتر از آن مطالبه ندارد که بنابر اختلافات دیرینه قومی، سمتی، زبانی و مذهبی که این همه سال ها در میان مردم زهر پاشی شده است به احتمال زیاد مسبب جنگهای شدید و خشونت فزاینده تا سرحد نسل کشی ها خواهد گشت. بر پایه تمام مستندات از وضعیت موجود کشور تنها در وجود دولت موجود اتحاد همه نیرو ها ممکن و میسر است زیرا هم اکنون همه عرصه ها از نظم برخوردار اند و دستگاه عدلی، قضایی، ارگان حراست از نظم و تطبیق قانون در تحت فرامین دولت وجود دارد. پس میتوان اذعان کرد که با حمایت نظم موجود بالفعل و بالقوه دولت اسلامی افغانستان میتوان کشور بیشتر به سمت نظم و ثبات سراسری رهنمون گشت نه برعکس با شکستن و فرو پاشی نظم موجود. همچنان اگر ابعاد عوامل و انگیزه هایی که باعث بی نظمی و بی ثباتی در کشور ما گردیده است مورد مطالعه، تحقیق و کاوش قراردهیم با یک نگاه گذرا در می یابیم که بیشترین عامل بی ثباتی در مداخله خارجی و نا آگاهی مردم ما از واقعیت ها و ابعاد این مداخله میباشد. اگر گرداننده گان مضحکه بن به این می اندیشیدند که در افغانستان نیروی بنام طالب حکومت میکرد و این نیرو ارتش

نیابتی پاکستان بود برای اعمال قدرت غرض عمق استراتژیک اداره افغانستان گماشته شده بود که در تحت بمباردمان B52 امریکایی و هدایات شعله افکن بوش مؤقتاً برای آرایش مجدد خویش به زمان نیاز داشت. اما آن لشکر نیابتی و آنکشور اداره کننده و تجهیز کننده یعنی پاکستان با همه ساز و برگ، مقاصد مداخله گرانه و آرمانهایش همچنان وجود دارد. این عقب نشینی مؤقتی و انفعال تاکتیکی بخاطر آرایش مجدد نیرو بهیچوجه نباید به این مفهوم تلقی میشد که پاکستان از اهداف استراتژیک اش در منطقه و در قبال افغانستان صرف نظر کرده است بر عکس اکنون روسیه، ایران، چین، ازبکستان و سایر کشور ها نیز در این پروژه سهم گشته و در جهت تامین منافع شان سرمایه گذاری هایی کرده اند و ابعاد این مداخله را وسیعتر و وسیعتر از دیروز ساخته اند.

حالا این وظیفه مسئولین اداره دولت، تحلیل گران، کادر های احزاب سیاسی و فعالین، تمام شبکه های جامعه مدنی، بزرگان و پیشوایان مذهبی و تمام رسانه های جمعی است که مردم را از دسایس پشت پرده این راهکار ها با خبر ساخته و آنها را در راه وحدت ملی برای رسیدن به یک صلح پایدار به اخوت و اتحاد دعوت و ترغیب کنند.